

## باید ها و نیایدهای، تعدیل و تعلیق قرارداد

قرارداد توافقی است که بین دو یا چند شخص درخصوص مسئله مشخص مالی یا غیرمالی صورت می‌پذیرد. یکی از آثار مهمی که قرارداد دارد این است ...



قرارداد توافقی است که بین دو یا چند شخص درخصوص مسئله مشخص مالی یا غیرمالی صورت می‌پذیرد. یکی از آثار مهمی که قرارداد دارد این است که طرفین خود را ملزم و متعهد می‌کند. فرض بر این است که هر شخصی، در یک قرارداد، با اراده و آگاهانه و با صحت عقل خود را به چیزی متعهد می‌کند. بنابراین، هر قراردادی اصولاً با تمام شروط و تعهداتش معتبر است و به هیچ عنوان نمی‌شود آن را یک *shy&*؛ طرفه برهم زد، زیرا این امر موجب می‌شود که نظم اجتماعی برهم بخورد و دیگر نتوان به قراردادها و توافقات اشخاص اعتماد کرد. حتی دادگاه *shy&*؛ ها هم عموماً مجاز نیستند که برخلاف قرارداد طرفین حکمی صادر کنند. با وجود این، در مواردی معدود ممکن است اوضاع به نحوی باشد که یک قرارداد به تغییر و، به اصطلاح، «تعدیل» نیاز داشته باشد. درواقع، علی *shy&*؛ رغم اهمیتی که حفظ تعهدات و قراردادها برای جامعه دارد، در برخی موارد مصلحتی مهم *shy&*؛ تر وجود دارد. به همین دلیل، قانون گاهی اجازه داده است که بعضی قراردادها تعدیل شوند.

به گزارش «تابناک» «تعدیل» در لغت به معنای «معتدل کردن» و «تقسیم کردن از روی عدالت» آمده است. تعدیل در عبارت «تعدیل قرارداد» هم از معنای لغوی خود دور نیفتاده است. تعدیل قرارداد یعنی شروط قرارداد یا آثار آن به اجازه قانون و بدون توافق طرفین تغییر پیدا می‌کند. این تغییر معمولاً برای برقرارکردن تعادل بین تعهدات قراردادی است که ممکن است به هر علت از بین رفته باشد. به عبارت دیگر، گاهی اوضاع به نحوی پیش می‌رود که رابطه قراردادی میان اشخاص، به شکلی کاملاً فاحش، به ضرر یکی از طرفین تغییر می‌کند.

در برخی از این موارد قانون به افراد اجازه تعدیل قرارداد را می‌دهد تا توازن بین طرفین قرارداد برقرار شود. به همین دلیل، تعدیل قرارداد اصولاً درمورد قراردادهایی با جنبه مالی به کار می‌رود. البته باید توجه داشت که نمی‌شود هر تغییری در اوضاع واحوال خواهان تعدیل شرایط قرارداد شد، زیرا اساساً یکی از مبانی قراردادها - و خصوصاً قرارداد های درازمدت - این است که اشخاص می‌خواهند ثبات داشته باشند و با کوچک *shy&*؛ ترین تغییر در اوضاع اقتصادی مجبور نباشند متحمل خسارت و هزینه شوند. به همین دلیل، تعدیل قرارداد فقط در مواردی انگشت شمار ممکن است.

گاهی بعد از جنگ *shy&*؛ ها یا بحران *shy&*؛ های اقتصادی طولانی مدتی که موجب تغییرات عمده در ارزش واقعی پول می‌شود، قانون قراردادها را تعدیل می‌کند تا با ارزش واقعی پول متناسب شوند. این امر ممکن است در هر زمانی که ارزش پول کاهش شدید پیدا کند انجام گیرد. به عنوان مثال، در کشور ما که با مشکل تورم مواجه است، قانون درمورد بعضی از قراردادها به صراحت تعدیل قرارداد را پذیرفته است.

به عنوان مثال مهریه، که قراردادی است میان زن و مرد، هم اکنون با نرخ روز محاسبه می‌شود. به طور عرفی، در ایران زن برای دریافت مهریه خود اقدام نمی‌کند مگر اینکه با شوهر خود دچار مشکل شود. از آنجاکه این امر ممکن است سال *shy&*؛ ها طول بکشد، زمانی که بسیاری از زنان مهریه خود را درخواست می‌کنند، اصولاً مدت زیادی از عقد نکاح گذشته است و مهریه آن *shy&*؛ ها، به دلیل تورم، ارزش اولیه خود را از دست داده است. بنابراین، قانون تلاش می‌کند مهریه را با شاخص نرخ تورم بانک مرکزی محاسبه کند تا کاهش ارزش آن جبران شود. در اینجا قانون به کمک زن، به عنوان طرف قراردادی که به دلیل گذشت زمان و کاهش ارزش پول دچار ضرر شدید شده است، می‌کند. آید و قرارداد مهریه را تعدیل می‌کند.

یکی از شروط بسیار مهم در قراردادها مهلت پرداخت مبلغ است که تخطی از آن می‌تواند عواقب مهمی برای اشخاص داشته باشد. با وجود این، در مواردی قانون به دادگاه اجازه داده است که، براساس اوضاع واحوال، برای پرداخت مبلغ به متعهد مهلت بدهد یا حتی آن را برای او قسط بندی کند. برای این مورد هم مهریه مثال مناسبی است. در مواردی که مرد نمی‌تواند مهریه زن را به طور یک *shy&*؛ جا پرداخت نماید، دادگاه می‌تواند با توجه به وضعیت و اوضاع واحوال مرد یا موقعیت های دیگر، پرداخت مهریه را برای مرد اقساطی کند تا او بتواند دین خود را به مرور زمان ادا کند.

مثال دیگر موردی است که کسی پولی را به دیگری قرض داده است و او را موظف کرده است که پول را ظرف سه ماه به او برگرداند. در اینجا دادگاه می‌shy&تواند با در نظر گرفتن موقعیت، مانند اینکه شخص مدیون (کسی که پول را قرض گرفته است و نمی‌shy&تواند پس از سه ماه پول را برگرداند) هم اکنون، به دلیل اوضاع اقتصادی حاکم بر کشور، به پول خود دسترسی ندارد، به او سه ماه دیگر برای پرداخت قرض خود مهلت بدهد. در اینجا هم قرارداد برای رعایت انصاف تعدیل شده است.  
کلام آخر

به طور کلی باید دانست که تعدیل قرارداد قاعده shy&ای است که در موارد استثنایی اجرا می‌shy&شود و اصل بر این است که اشخاصی که قراردادی را منعقد می‌shy&کنند، بدون توجه به اینکه چه تغییرات و تحولاتی در بازار یا در موقعیت این اشخاص رخ می‌shy&دهد، ملزم و متعهد به قرارداد های خود هستند و نمی‌shy&توانند صرفاً به دلیل اینکه اجرای قرارداد برای شان دشوار شده است یا سود کمتری می‌shy&برند از اجرای تعهدات شان خودداری کنند.

تعلیق قرارداد به چه معنا است؟

یکی از انواع عقود که قانونگذار در قانون مدنی به آن اشاره ای گذرا کرده، عقد معلق یا عقد تعلیقی است. قانونگذار فقط عنوان عقد معلق را به رسمیت شناخته است، ولی توضیح روشنی دربارهٔ تعلیق در ضمن اجرای قرارداد نداده است. در این مقاله، نخست با تعریف و انواع عقد معلق آشنا می‌شویم؛ سپس به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آیا طبق قانون، تعلیق قرارداد پذیرفتنی است یا نه.

در تعریف عقد معلق باید گفت: عقد یا قراردادی است که به وقوع امری احتمالی وابسته باشد و به حالت تعلیق درمی‌آید. آن امر احتمالی که عقد را معلق می‌کند، معلق علیه نامیده می‌شود.

در عقد تعلیقی، طرفین به صراحت ارادهٔ خود را بیان می‌کنند و قرارداد به طور قطعی شکل می‌گیرد؛ با وجود این، تنها پس از وقوع امر احتمالی، تعهد ناشی از قرارداد ایجاد می‌شود.

تعلیق انواعی دارد. برای روشن شدن موضوع، لازم است با آن‌ها آشنا شویم.

۱. اگر تشکیل قرارداد یا عقد به امری احتمالی معلق شود، مثل این است که اصلاً عقدی انجام نشده است. این نوع تعلیق باطل است. مثلاً اگر الف. به ب. بگوید اتومبیل تو را یک میلیون تومان «می‌خرم» اگر ظرف ۱۰ روز تایلر های آن را تعویض کنی و ب. بگوید «قبول است»، این عقد از اساس مشکل دارد و به طور کلی هیچ عقد و تعهدی شکل نگرفته است.

۲. گاهی تعلیق در اثرگذاری عقد است، به این معنا که الف. به ب. بگوید اتومبیل تو را یک میلیون تومان «خریدم» اگر ظرف ۱۰ روز تایلر های آن را تعویض کنی و ب. بگوید «قبول است». اصل این قرارداد صحیح است و طرفین فقط اثر عقد را به امری محتمل وابسته کرده‌اند. این عقد به این صورت است که تا زمانی که تایلر های اتومبیل تعویض نشود، اتومبیل به مالکیت شخص الف. در نمی‌آید.  
شرط فاسخ چیست؟

در بالا توضیح داده شد که گاهی تعلیق عقد در شکل‌گیری و در همان ابتدای پیمان بستن با دیگری اتفاق می‌افتد؛ اما گاهی ممکن است انحلال قرارداد به امری احتمالی معلق شود که اصطلاحاً به آن «شرط فاسخ» می‌گویند؛ به این معنا که به محض وقوع شرط یا همان امر احتمالی، عقد به خودی خود منحل می‌شود و نیازی به اعلام اراده طرفین ندارد.

آیا تعلیق قرارداد پذیرفتنی است؟

گاهی ممکن است اجرای قرارداد به حالت تعلیق درآید. هر چند در قانون مدنی عقد معلق پذیرفته شده است، تعلیق در مرحله اجرای قرارداد یا «تعلیق قرارداد» به صراحت در هیچ ماده‌ای پیش‌بینی نشده است و تنها به طور ضمنی در مواردی به آن اشاره می‌شود.

مثلاً در عقد اجاره، به نظر قانونگذار، اگر در مال الاجاره عیبی به وجود بیاید که قابل رفع نباشد، عقد از همان تاریخ منحل می‌شود. از این مطلب می‌توان این‌گونه استنباط کرد که اگر عیب مذکور قابل رفع باشد، تا زمان رفع آن توسط موجر،

عقد به حالت تعلیق درمی آید و مستأجر موظف به پرداخت اجاره بها نیست. قانونگذار در عقد مزارعه نیز مانند عقد اجاره متذکر می شود: «هرگاه زمین به واسطه فقدان آب یا علل دیگر از این قبیل از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد، عقد مزارعه منفسخ می شود.» در این صورت، قانونگذار مدت زمان بین خارج شدن از قابلیت انتفاع تا رفع مانع را حالتی تعلیقی در نظر گرفته است.

#### بررسی تعلیق قرارداد در شرایط عمومی پیمان و قانون کار

باوجوداین، قانونگذار در شرایط عمومی پیمان و قانون کار، در موادی شرایط تعلیق در اجرای قرارداد را بیان کرده است. ماده ۴۹ شرایط عمومی پیمان به صراحت بیان می کند که کارفرما به صورت اختیاری می تواند در مدت پیمان، اجرای کار را یک بار و حداکثر سه ماه معلق کند. هرچند طی دوران تعلیق، تعهدات طرفین در برابر یکدیگر متوقف می شود، این به این معنا نیست که مسئولیت آنان در مقابل کار انجام شده است و از بین می رود؛ مثلاً در این مدت پیمانکار وظایفی از جمله حفاظت از تجهیزات، مصالح و تأسیسات را بر عهده دارد یا کارفرما موظف است برخی از هزینه ها را به پیمانکار بپردازد. همچنین ماده ۴۳ همان قانون علت تعلیق قرارداد را بروز حوادث قهری از جمله سیل و زلزله می داند. در این شرایط، تا زمان رفع حوادث، قرارداد به حالت تعلیق درمی آید.

در مواد ۱۴ تا ۲۰ قانون کار نیز تعلیق قرارداد از ناحیه کارگر و کارفرما پیش بینی شده است. این تعلیق یا نتیجه حوادثی خارج از اراده طرفین است از جمله بروز حوادث قهریه و یا نتیجه اراده و خواست آنان است؛ مانند اینکه کارگری که مشمول قانون کار است، برای انجام خدمت وظیفه عمومی کار خود را ترک کند و یا کارفرما از پذیرش کارگری که به دلایلی سر کار نبوده امتناع کند. در چنین شرایطی، تا تعیین تکلیف نهایی کارگر، تعهدات وی معلق می ماند و پس از رفع مانع، مدت تعلیق در سابقه وی احتساب می شود.